

بررسی انواع همسر آزاری در مناطق شهری و روستایی استان اردبیل و

عوامل مؤثر بر آن**

اکبر طالب پور^{*۱}

تاریخ پژوهش: ۹۶/۴/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۲

چکیده

این پژوهش به بررسی انواع همسرآزاری در مناطق شهری و روستایی استان اردبیل و عوامل مؤثر بر آن در تابستان و پاییز ۱۳۹۴ شمسی با استفاده از روش پیمایش پرداخته‌است. نمونه‌های مورد مطالعه ۱۱۰۰ نفر از زنان مناطق شهری و روستایی استان اردبیل بودند که با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شده‌بودند. بمنظور سنجش همسرآزاری از پرسش‌نامه استاندارد حاج یحیی که برای نخستین‌بار در سال ۲۰۰۰ میلادی در فلسطین اجرا شده‌بود، به عنوان ابزار سنجش استفاده گردید. گردآوری داده‌های پاسخگویان از راه مراجعه مستقیم پرسشگران زبده به صورت مصاحبه انجام شد. نتایج پژوهش نشان دادند؛ همسر آزاری در استان اردبیل به مقدار ۲۹/۶ درصد بوده‌است که در این بین، همسرآزاری مالی با ۳۳/۲ درصد بیش‌ترین نوع همسرآزاری و همسرآزاری فیزیکی با ۲۷/۲ درصد کم‌ترین نوع همسرآزاری بوده‌است. مقدار همسرآزاری روانی حدود ۲۹ درصد و همسرآزاری جنسی حدود ۲۹/۲ درصد در سطح استان محاسبه شد. نتایج تحلیل رگرسیون تبیین عوامل مؤثر بر همسر آزاری، نشان دادند متغیرهای مستقل؛ دخالت خویشاوندان در زندگی زوجین، تحریک شوهر از سوی همسر، اعتماد بین زوجین و یادگیری خشونت در خانواده مبدأ به ترتیب بیش‌ترین نقش را در همسر آزاری داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: استان اردبیل، پرسش‌نامه حاج یحیی، همسرآزاری، تحلیل رگرسیون چند متغیره.

^۱ - استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی.

* - نویسنده مسئول مقاله: Talebpour110@yahoo.com

** - پژوهش با حمایت مادی بهزیستی استان اردبیل در کلیه مناطق شهری و روستایی این استان انجام شده است.

پیشگفتار

شایع ترین نوع خشونت، همسر آزاری است که در محیط خصوصی رخ می‌دهد و چون میان افرادی روی می‌دهد که به سبب صمیمیت، ارتباط خونی یا قانونی به یکدیگر پیوند خورده‌اند، جرم وابسته به جنسیت خاص بشمار می‌رود که مردان به زنان روا می‌دارند و در واقع از رفتار جنس غالب در جامعه نشات می‌گیرد (Rubington & Weinberg, 2007)

همسر آزاری با تعاریف امروزی که شامل چهار نوع همسر آزاری؛ جسمی، جنسی، روانی و مالی علیه زنان می‌باشد، پدیده نوینی نیست که به تازگی در دوران مدرن بوجود آمده باشد بلکه از همان زمان تشکیل خانواده در جوامع سنتی به گونه‌ای بارز وجود داشته و زنان در طول تاریخ مورد استثمار جسمی، روانی، جنسی و مالی قرار گرفته‌اند. با وجود سابقه بسیار همسر آزاری به نظر می‌رسد این پدیده همچون سایر آسیب‌های اجتماعی مدت زمان زیادی مورد غفلت قرار گرفته بود، اما در دوران مدرن در اثر تأثیر عواملی همچون؛ مشارکت گسترده زنان در جنگ‌های جهانی اول و دوم، افزایش خودآگاهی زنان و تلاش انجمن‌ها و نهادهای بشردوستانه منجر به افزایش آگاهی عمومی جامعه نسبت به تعدی‌های انجام گرفته به زنان شده است که در نتیجه این آگاهی و تلاش‌ها زنان در پی ایفای حقوق از دست رفته خود برآمده‌اند و تلاش کرده‌اند تا نهاد خانواده را به سمت تساوی حقوقی هدایت کنند و نهادهای بشردوستانه با برجسته نمودن نقش جلوگیری از همسر آزاری در سلامت روحی و اخلاقی جامعه تلاشی دو چندان در راستای برقراری تساوی حقوقی زنان و مردان انجام داده‌اند. یافته‌های پژوهشی گسترده در سطح جهانی نشان می‌دهد که در کشورهای توسعه یافته، حدود ۲۸ درصد زنان ابراز می‌کنند دست کم یک بار مورد همسر آزاری جسمی در طول زندگی مشترک خود از سوی همسر قرار گرفته‌اند و این آمار در کشورهای در حال توسعه به طور میانگین در دامنه‌ای از ۱۸ تا ۶۷ درصد قرار دارد (Hasan, 2010).

نرخ همسر آزاری در ایران در طیفی از ۳۰ تا ۸۰ درصد برآورد شده است. (محمدخانی و همکاران، ۱۳۸۵). دقیق‌ترین نرخ همسر آزاری کشور مربوط به پیمایش ملی بود که نرخ همسر آزاری در ایران را ۶۶ درصد برآورد کرده است. استان اردبیل یکی از استان‌هایی است که تاکنون بررسی جامعی در مورد نرخ همسر آزاری در آن انجام نگرفته است. نگاهی به آمارهای گوناگون استان، دغدغه‌های مسئولان ملی و محلی و ملحوظ نمودن تسلط فرهنگ سنتی، ضرورت بررسی وضعیت همسر آزاری به گونه گسترده را نشان می‌دهد.

یکی از ویژگی‌های همسر آزاری در کشورهایی مثل ایران آن است که این آزار رفتاری مجاز تلقی می‌شود زیرا نهی اجتماعی خاصی در مورد رفتار خشن اعضای خانواده نسبت به یکدیگر وجود ندارد و بیش‌تر اوقات این رفتارها در مقوله تربیتی قرار می‌گیرند. با این اوصاف با این‌که پدیده همسر آزاری در ایران کاملاً هویدا است، اما چون به محیط خصوصی خانواده محدود نبوده و در کل

جامعه بدون آن که دیگران در آن مداخله کنند، رخ می‌دهد، پیامدهای چندانی برای افراد همسرآزار در پی ندارد. وجود چنین فرهنگی باعث می‌شود که سازمان‌های نظارتی، نه نظارت خاصی بر این رفتار داشته باشند و نه بتوانند ضرورت حمایت‌های ویژه از قربانی همسرآزاری را مدنظر قرار دهند. به نظر می‌رسد توجه به پدیده همسرآزاری تنها با تلفیق تمامی نگرش‌های موجود از راه حذف نقاط ضعف و تأکید بر نقاط قوت امکان پذیر است و هر گونه توجه تک بعدی در این زمینه قرین موفقیت نخواهد بود. در این پژوهش رویکرد تلفیق تمامی تئوری‌هایی که به گونه‌ای از انحاء در تبیین همسرآزاری نقش دارند، اتخاذ شده است و در این راستا در صدد پاسخ به سئوال‌های زیر بوده ایم؛

وضعیت انواع همسرآزاری‌ها در استان اردبیل چگونه است؟

دلایل همسرآزاری در استان اردبیل چیست و با چه راهکارهایی می‌توان از این پدیده جلوگیری کرد؟

در مورد ضرورت و اهمیت مطالعات همسرآزاری لازم است بیان شود که اعمال همسرآزاری از چهار جنبه مورد توجه است: از جنبه نخست، همسرآزاری محدود به خانواده نشده و عوارض زیان‌باری در سطح جامعه و بویژه نسل آتی بر جای می‌گذارد چرا که مطالعات متعدد ثابت کرده‌اند؛ افراد خشن در دوران کودکی قربانی یا شاهد خشونت بوده و در بزرگسالی و پس از تشکیل خانواده، همان رفتار خشونت بار را برای حل تعارض‌ها و تنش‌های خانوادگی بکار گرفته و باعث پدیده گردش نسلی پدیده همسرآزاری در جامعه شده‌اند. جنبه دوم این‌که، وضعیت خاص اجتماعی و قانونی در جامعه به گونه‌ای است که همسرآزاری امری مقبول تلقی شده و حالت نهادینه دارد بنابراین، در چنین شرایطی کسی به فکر حل مشکلات ناشی از این پدیده اجتماعی نیست، چون در این جامعه مردم به طور کلی و زنان قربانی به طور ویژه نظری خاص نسبت به رفتار خشن مردان نداشته و شرایط زندگی خود را طبیعی در نظر می‌گیرند. به نظر آنان جر و بحث و اختلاف جزء طبیعی زندگی زناشویی بوده و در همه خانواده‌ها وجود دارد. در این شرایط رفتارهای غیر قابل تحمل مردان توجیه می‌شود و این باور از راه نگرش‌های اجتماعی تشدید می‌شود که مردان برترند و پرخاشگری نیز سنتی است که در مردان وجود دارد (Ezazi, 2003).

سومین جنبه اساسی توجه به بررسی همسر آزاری از پیامدهای این پدیده برمی‌خیزد این پیامدها منجر به آسیب‌های اجتماعی متعددی می‌شوند که لزوم توجه به این امر و مطالعه آن‌را دوچندان می‌سازند.

چهارمین جنبه اهمیت مطالعات همسرآزاری از عدم توانمندی زنان در نتیجه محرومیت‌ها و خشونت‌های اقتصادی نشأت می‌گیرد که آنان را به افراد وابسته‌ای تبدیل می‌کند که حتی فکر استقلال را هم از ذهن آنان پاک می‌کند.

با توجه به پیامدها و وجوه چهارگانه بالا می‌توان به اهمیت و ضرورت این مطالعه پی برد، چرا که هر گونه مطالعه‌ای در راستای شناسایی عوامل مؤثر بر همسرآزاری در نهایت منجر به کاهش آسیب‌های اجتماعی خواهد شد.

مبانی نظری و تئوری‌هایی که در زمینه تبیین همسرآزاری می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند بسیار زیادند، اما در این جا به بخشی از مبانی که پایه‌های مفهومی این پژوهش را تشکیل داده‌اند، اشاره می‌شود.

مطالعات مارگالین^۱ و همکاران (۱۹۹۸)، کان^۲ و همکاران (۲۰۰۰) ارتباط بین گرایش مثبت به خشونت و همسرآزاری را نشان داده‌اند. مطالعات کان نشان داد سطح کلی پرخاشگری مردان به تنهایی نشانگر تمایل آنان به بدرفتاری علیه همسران‌شان نیست بلکه این عامل در ترکیب با دیگر عوامل مثل تجربه تنش زیاد و عدم دلبستگی به طرف مقابل منجر به گرایش آنان به انجام رفتارهای خشونت بار نسبت به همسران می‌شود (Kane & colleague, 2000).

کاترینیا میرلس (۱۹۹۹) پژوهشی با عنوان؛ همسرآزاری: یافته‌های پیمایش جنایی در انگلستان با استفاده از پرسش‌نامه خودتکمیلی انجام داد که نمونه آماری مورد بررسی را زنان و مردان متأهل ۵۹-۱۶ ساله تشکیل می‌دادند. نتایج بدست آمده نشان دادند که بیش‌تر زنان قربانی خشونت از آسیب‌هایی نظیر سردردهای مزمن، افسردگی، اضطراب، ضعف در عملکردهای روزانه، اختلال در برقراری روابط، تمایل به خودکشی رنج می‌بردند. حدود ۴۰ درصد زنان مدعی بودند که خود نیزعامل خشونت بوده‌اند و این‌که بین انواع خشونت و سلامت روانی رابطه معنی دار منفی نشان داده شد و در این بین خشونت روانی بیش‌ترین تاثیر را بر سلامت زنان داشته‌است (Mirrlees, 1999).

کلمن^۳ (۲۰۰۰) در نخستین اثر خود آنچه را تأثیر منفی افکار هم‌دوره‌ای‌ها بر جوانان می‌داند، تشریح کرد. پس از حدود چهل سال، امروز نقش عواملی اجتماعی همچون سرمایه اجتماعی بر بزهکاری جوانان به گونه‌ای گسترده شناخته شده است (Field, 2009).

پانتام در سطح ایالت‌ها، به نوعی پیوستگی منفی قوی بین جرم‌های خشن و شاخص سرمایه اجتماعی دست پیدا کرده و مدعی بود که با افزایش مقدار سرمایه اجتماعی، در صورت برابر بودن سایر شرایط، سطوح جرم پایین‌تر خواهد آمد (Putnam, 2005).

هوتالینگ و سوگارمن (۲۰۰۰) با بررسی بیش از ۴۰۰ گزارش مربوط به زنان کتک خورده که در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵ در سمینارها ارایه و در مجلات چاپ شده بود، تلاش کردند

1- Margolin

2- Kane

3- Coleman

مشخصاتی را که در میان زنان قربانی خشونت عمومیت داشت، طبقه بندی کنند. یکی از عوامل مشترک، داشتن تجربه خشونت یا مشاهده آن در دوران کودکی و عامل دیگر سن بود. احتمال قربانی شدن زنان جوان تر تا سن ۳۰ سالگی بیش تر از زنانی با سنین بالاتر بود، اما هیچ عامل اجتماعی دیگری مانند مقدار درآمد، سطح تحصیلات و... در میان قربانی ها مشترک نبود (Ezazi, 2004).

بر اساس نظریه فرهنگی گرایش به خشونت یک ارتباط اساسی بین ارزش های اساسی یک جامعه و پدیده های اجتماعی مانند همسرآزاری، تکدی گری و... وجود دارد که منجر به ایجاد هماهنگی بین ارزش های اجتماعی و پدیده های اجتماعی می شوند. استراوس و همکاران (۲۰۰۶) به ارتباط مثبتی بین همسرآزاری و هنجارهای اجتماعی رسیده اند بر این اساس مردانی که به همسرآزاری می پردازند در یک فرهنگ مردسالارانه پرورش یافته اند و در چنین فرهنگی زندگی می کنند (Straus & colleague, 2006).

نظریه یادگیری اجتماعی-شناختی را باندورا^۱ (۱۹۶۵-۱۹۶۹) مطرح کرد، به باور او فرزندان از طریق والدین خود خشن بودن را می آموزند. مشاهده و تجربه بد رفتاری از ناحیه والدین در دوران کودکی منجر به یادگیری رفتار سلطه آمیز توسط مرد و آموختن تحمل زن می شود (Bandora, 1977).

مطالعات چندی نشان داده اند؛ مقدار همسرآزاری در خانواده های گسسته، بویژه خانواده های از هم گسسته شده بر اثر جدایی یا طلاق، بالاتر از خانواده های سالم است (Good, 1989). باندورا بر این باور است که فراگیری معمولاً تحت شرایط مستقیم (تنبیه یا تشویق) مشاهدات فردی صورت می گیرد و می تواند نتیجه تجارب شخصی فرد یا برگرفته از نتایج مرتب با رفتار سایر افراد باشد.

نظریه انتقال نسل ها که بر پایه نظریه یادگیری اجتماعی استوار است، در پی تعمیم خشونت های دوران کودکی زوجین به سال های بلوغ و تشکیل خانواده آنان است. بنا به نظریه انتقال نسل ها، سوء رفتار از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد. در نتیجه آن هایی که متعلق به خانواده هایی هستند که در آن ها خشونت یک وسیله پذیرفته شده برای حل مشکلات است، احتمال بیش تری دارد که در حل مسایل در خانواده ای که تشکیل خواهند داد از خشونت استفاده کنند و این خشونت را به نسل های بعدی منتقل کنند.

نظریه شبکه به روابط زوجین و شبکه خویشاوندی تاکید دارد و بیان می کند که هر چه روابط بین شبکه کم تر و سست تر باشد، زوجین وظایف خود را بهتر انجام می دهند. پس اگر شبکه قوی باشد،

¹ - Albert Bandura

زوجین خود نمی‌توانند تصمیم‌های لازم را بگیرند چراکه باید بر اساس شرایط و روابط شبکه عمل کنند و دخالت دیگران را در زندگی خود بپذیرند. الیزابت بات^۱ مسئله را زمینه بروز اختلافات و همسرآزاری در خانواده می‌داند و بر این باور است که در نتیجه دخالت دیگران، خانواده دچار انحلال می‌شود (Reyahi, 2007).

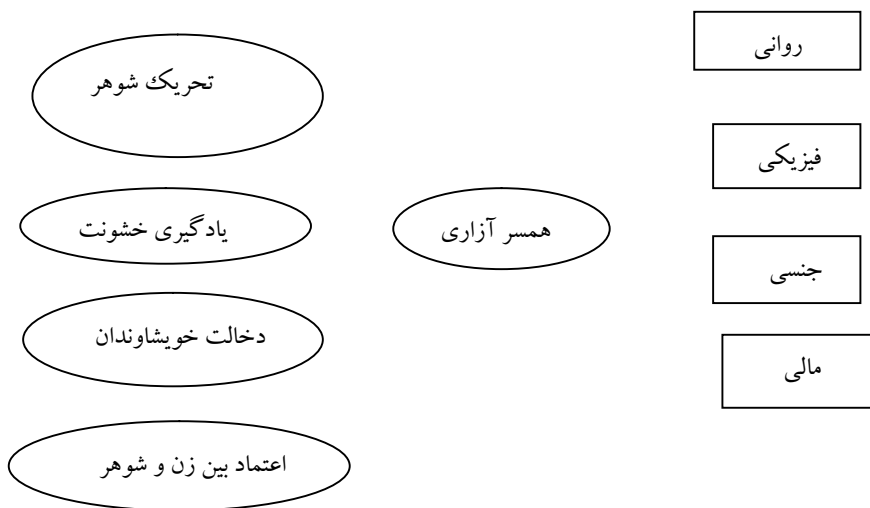
بر اساس نظریه آثار تعامل، شرایط گفتگوی دو طرفه زمانی شکل می‌گیرد که کنش ارتباطی در مفهوم هابرماسی آن حضور داشته باشد که کنشگران در فضایی به دور از تنش نظرات خویش را تبادل کنند. هابرماس باور به شکل دهی فضای کنش ارتباطی است. در این هم کنشی، کنشگران از یکدیگر توقع دارند که اغراض و افعال متفاوت‌شان را از راه اجماعی که محصول ارتباط و مفاهیم است، هماهنگ کنند. «زبان مشترک» این امکان را فراهم می‌آورد و در صورت بروز اختلاف نظر، برای جلوگیری از رفتار خشونت‌آمیز دو طرف فقط باید به دلیل متوسل شوند. پس نیروی الزام آور اعمال گفتاری در گرو نیرومند شدن دلایل غیر خشن است (Ritzer, 2008).

بر اساس نظریه ماشه چکان^۲ فرد قربانی خشونت، زمینه ظهور، موجبات تحریک و اعمال خشونت را از سوی مرتکب خشونت فراهم می‌کند. در واقع، همسرآزاری اغلب با جمله «حق اش بود» توجیه می‌شود. زوج‌هایی که برای حل مسایل خود دست به مشاجره کلامی می‌زنند، به احتمال زیاد کارشان به خشونت و درگیری می‌کشد و اغلب طرفی که از مهارت‌های کلامی ضعیف‌تر برخوردار است، کمبود آن را با همسرآزاری جبران می‌کند (Mohebi, 2001).

از مجموع پیشینه پژوهش، منابع و مبانی نظری و تئوری‌های بالا مدل نظری پژوهش به صورت زیر ارائه شد:

¹. Elyzabet Bat

². Trigger Theory



مدل تحلیلی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

- با توجه به تئوری های پژوهش و مدل تحلیلی فرضیات زیر بمنظور سنجش ارایه شده‌اند؛
- ۱- به نظر می‌رسد بین یادگیری خشونت از جانب زوجین و همسر آزاری رابطه معنی دار مثبت وجود دارد.
 - ۲- به نظر می‌رسد بین دخالت خویشاوندان زوجین و همسر آزاری رابطه معنی دار مثبت وجود دارد.
 - ۳- به نظر می‌رسد بین تحریک همسر و همسر آزاری رابطه معنی دار مثبت وجود دارد.
 - ۴- به نظر می‌رسد بین اعتماد بین زن و شوهر و همسر آزاری رابطه معنی دار معکوس وجود دارد.

عنوان مقاله؛ این مقاله با عنوان بررسی انواع همسرآزاری در مناطق شهری و روستایی استان اردبیل و عوامل مؤثر بر آن، به بررسی انواع همسرآزاری در تمامی مناطق شهری و روستایی استان اردبیل با استفاده از یک نمونه بزرگ پرداخته‌است. در مورد تاریخچه انجام این پژوهش لازم است بیان شود که تا لحظه انجام پژوهش، پژوهش خاصی در گستره استان در مورد انواع همسرآزاری انجام نشده‌بود و این پژوهش با توجه به دغدغه مسئولان کشوری و استانی سازمان بهزیستی در این استان از اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ تا آبان ماه با استفاده از شیوه پیمایشی انجام گرفت که نتایج آن

خوشبختانه مورد توجه مسئولان بعدی استان نیز قرار گرفت و همین الان نیز از نتایج این پژوهش در برخی از زمینه‌های پیشگیری از همسرآزاری در استان اردبیل استفاده می‌شود.

روش پژوهش

روش پژوهش بر اساس پیمایش بنا شده است که با استفاده از یک پرسش‌نامه و از راه مصاحبه پرسشگران زنده در سطح مناطق شهری و روستایی استان اردبیل شده است و پرسشگران با مراجعه به منازل پاسخگویان سئوالات خود را در چارچوب مصاحبه انجام داده‌اند.

جامعه آماری پژوهش حاضر عبارت است از تمامی زنان متأهل ۴۸-۱۵ ساله ساکن در مناطق شهری و روستایی استان اردبیل بود که دست‌کم یک سال از ازدواج آن می‌گذشت که از این تعداد یک نمونه معرف با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شده است.

براساس سرشماری ۱۳۹۰ استان اردبیل دارای جمعیتی معادل نفر ۱۲۴۸۴۸۸ بود که از این تعداد ۷۹۸۹۴۲ نفر در مناطق شهری و ۴۴۹۵۴۶ نفر در مناطق روستایی زندگی می‌کردند، در سال ۱۳۹۰ تعداد خانوارهای شهری استان ۲۱۵۹۳۰ خانوار و تعداد خانوارهای روستایی ۱۲۱۴۹۹ خانوار بوده است. بنابراین، کل خانوارهای شهری و روستایی مورد بررسی در استان با عنوان جامعه آماری معادل ۳۳۷۴۰۱ خانوار بود. با توجه به این امر که ۶۴ درصد از جمعیت مورد مطالعه در مناطق شهری و ۳۶ درصد در مناطق روستایی ساکن بودند، بنابراین، ۶۴ درصد از نمونه آماری در مناطق شهری و ۳۶ درصد در مناطق روستایی مورد پیمایش قرار گرفته‌اند که با توجه به این امر ۸۳۲ نمونه از مناطق شهری استان و ۴۶۸ نمونه از مناطق روستایی استان مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند که در ادامه در جدول یک در چارچوب مقدار جمعیت، خانوار، تعداد جامعه و نمونه‌های آماری مشخص شده است.

جدول ۱- مقدار جمعیت، خانوار، تعداد جامعه و نمونه های آماری مورد بررسی.

نام شهر	جمعیت شهری	تعداد خانوار	درصد خانوار	تعداد روستایی	جمعیت روستایی	تعداد خانوار	درصد خانوار	تعداد نمونه شهری	تعداد نمونه روستایی
اردبیل	۴۸۵۱۵۳	۱۳۱۱۲۴	۶۰	۷۹۲۱۲	۲۱۴۱۰	۱۸	۴۲۲	۷۱	
بيله سوار	۲۲۸۸۹	۶۱۸۶	۳	۳۰۸۷۹	۸۳۴۵	۷	۲۱	۲۸	
پارس آباد	۹۶۲۷۹	۲۶۰۲۱	۱۲	۷۶۹۰۳	۲۰۷۸۵	۱۷	۸۴	۶۷	
خلخال	۴۷۸۴۸	۱۲۹۳۱	۶	۴۴۴۸۴	۱۲۰۲۳	۱۰	۴۲	۴۰	
سرعین	۴۴۴۰	۱۲۰۰	۱	۱۳۷۹۱	۳۷۲۷	۳	۷	۱۲	
کوثر	۷۱۵۸	۱۹۳۴	۱	۱۹۰۴۰	۵۱۴۶	۴	۸	۱۶	
گرمی	۳۱۴۹۷	۸۵۱۳	۴	۵۲۷۷۰	۱۴۲۶۲	۱۲	۲۸	۴۸	
مشگین	۷۲۹۵۸	۱۹۷۱۸	۹	۷۸۱۹۸	۲۱۱۳۴	۱۷	۶۳	۶۷	
نمین	۲۴۰۴۶	۶۴۹۹	۳	۳۷۲۸۷	۱۰۰۷۷	۸	۲۱	۳۱	
نیر	۶۶۷۴	۱۸۰۴	۱	۱۶۹۸۲	۴۵۹۰	۴	۸	۱۶	
کل	۷۹۸۹۴۲	۲۱۵۹۳۰	۱۰۰	۴۴۹۵۴۶	۱۲۱۴۹۹	۱۰۰	۷۰۴	۳۹۶	

ابزار سنجش و اندازه گیری پژوهش شامل دو پرسشنامه؛ متشکل از پرسشنامه استاندارد (حاجی یحیی) که در سال ۲۰۰۰ میلادی در کشور فلسطین مورد استفاده قرار گرفته بود و پرسشنامه محقق ساخت بود.

برای سنجش اعتبار ابزار اندازه گیری پژوهش (هر دو پرسشنامه فارغ از استاندارد بودن یکی از پرسشنامه ها) از اعتبار محتوایی^۱ استفاده شده است. منظور از این اعتبار مقدار توافق متخصصان یک امر در رابطه با یک شاخص یا معیار است. اعتبار محتوایی را می توان ناشی از مقدار توافق چند متخصص دانست (Saroukhani, 2007). یعنی عدم اتفاق نظر در مورد هر شاخص به معنای عدم اعتبار صوری آن است (Ibid.p139). برای بدست آوردن اعتبار صوری پرسشنامه به ده نفر از

^۱ - Face validity

اساتید دانشگاه ارایه شد و ضریب توافق آنان در سنجش مفهوم مورد مطالعه ۹۲. محاسبه گردید بنابراین، ابزار پژوهش از اعتبار صوری لازم برخوردار بود.

برای سنجش پایایی (هر دو پرسشنامه) از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ به عنوان، یکی از ضرایب پایایی یا قابلیت اعتماد شناخته می‌شود. این ضریب از عمومی‌ترین ضرایب است، که به وسیله پژوهشگران علوم اجتماعی برای سنجش پایایی ابزار گوناگون گردآوری داده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. هم‌چنین، برای این که مشخص شود که تا چه حد برداشت پاسخگویان از سئوالات یکسان بوده است از این ضریب استفاده شده است زیرا این ضریب برای سنجش مقدار تک بعدی بودن نگرش‌ها، قضاوت‌ها، باورها و سایر مقولاتی که اندازه‌گیری آن‌ها آسان نیست بکار می‌رود. هم‌چنین، اساس ضریب آلفای کرونباخ بر پایه طیف‌ها و مقیاس‌ها است (Mansourfar, 2006).

در واقع هدف از کاربرد آلفای کرونباخ این است که دریابیم همه گویه‌ها در موضوع مورد نظر، پژوهش را پاسخ می‌دهند یا نه؟ بنابراین، با محاسبه ی آلفای کرونباخ، همسانی گویه‌ها را می‌سنجیم (Ibid.p49). در این پژوهش مقدار آلفای کرونباخ برای ۷۲ آیتم از آیتم‌هایی که می‌توانستیم برای آن‌ها آلفا محاسبه کنیم، به مقدار ۰/۸۴۹ بود که آلفای مطلوبی بشمار می‌رود. گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه و استفاده از مصاحبه حضوری با زنان ۴۸-۱۵ سال ساکن در مناطق شهری و روستایی استان اردبیل بود که حداقل یک سال از ازدواج آن می‌گذشت. بمنظور گردآوری داده‌های پرسشگران در زمان مقتضی به منزل پاسخگویان مراجعه کردند و از راه مصاحبه داده‌ها را گردآوری کردند.

یافته‌ها

در این پژوهش یافته‌های پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی آورده شده است که در ادامه ذکر می‌شود.

الف. یافته‌های توصیفی

مقدار همسر آزاری در تمامی مناطق استان اردبیل ۲۹/۶ درصد می‌باشد. از این منظر شهرستان گرمی از پایین‌ترین مقدار همسر آزاری جنسی در سطح استان برخوردار است و شهرستان خلخال، مناطق روستایی پارس آباد، شهرستان نیر و غرب اردبیل از مناطقی هستند که در آن‌ها مقدار همسر آزاری از بقیه مناطق استان بیش‌تر است و لازم است آموزش‌های لازم در این نقاط استان بیش از سایر نقاط مورد توجه و اهتمام مسئولان امر و دست‌اندرکاران قرار گیرد. از بررسی ابعاد همسر آزاری روشن می‌شود که همسر آزاری مالی با ۳۳/۲ درصد بیش‌ترین نوع همسر آزاری و

همسرآزاری فیزیکی با ۲۷/۲ درصد کم‌ترین نوع همسرآزاری در سطح استان می‌باشد. هم‌چنین، در این پژوهش همسرآزاری روانی حدود ۲۹ درصد و همسرآزاری جنسی حدود ۲۹/۲ درصد برآورد شده است. بررسی تفکیکی ابعاد همسرآزاری نشان داد که از بعد همسرآزاری روانی؛ در شهرستان‌های نمین و نیر، غرب اردبیل و مناطق روستایی اردبیل بیش‌ترین مقدار همسرآزاری روانی روا داشته شده است و در شهرستان های گرمی، بیله سوار، پارس آباد و سرعین کم‌ترین مقدار همسرآزاری روانی اعمال شده است. از لحاظ همسرآزاری فیزیکی، در شهرستان نیر و مناطق روستایی پارس آباد بیش‌ترین مقدار همسرآزاری جسمی علیه زنان اعمال می‌گردد و در شهر گرمی و شهرستان سرعین کم‌ترین مقدار همسرآزاری فیزیکی علیه زنان اعمال می‌شود. از منظر همسرآزاری جنسی؛ در مناطق روستایی خلخال بیش‌ترین مقدار همسرآزاری جنسی علیه زنان اعمال شده و در شهر مشکین شهر کم‌ترین مقدار همسرآزاری جنسی علیه زنان اعمال شده است. بالاخره از حیث همسرآزاری مالی، در شهرستان های خلخال و پارس آباد بیش‌ترین مقدار همسرآزاری مالی علیه زنان مورد استفاده قرار گرفته است در حالی‌که در شهرستان های سرعین و کوثر و مناطق روستایی گرمی کم‌ترین مقدار همسرآزاری روانی علیه زنان استعمال گشته است. نتایج مربوطه در قالب جدول ۲ آورده شده‌است.

جدول ۲- میانگین مقدار همسر آزاری.

نام منطقه	همسر آزاری پروانی	همسر آزاری فیزیکی	همسر آزاری جنسی	همسر آزاری مالی	همسر آزاری
مناطق شهری اردبیل	۱.۵	۱.۳۵	۱.۵۱	۱.۶۷	۱.۵۱
مناطق روستایی اردبیل	۱.۶۵	۱.۲۵	۱.۳۲	۱.۵۳	۱.۴۴
شهرستان بیله سوار	۱.۳	۱.۴	۱.۴۲	۱.۶۶	۱.۴۴
پارس آباد	۱.۲۳	۱.۳۱	۱.۳۲	۱.۸۲	۱.۴۲
خلخال	۱.۴۱	۱.۴۵	۱.۶۸	۱.۹۳	۱.۶۲
شهرستان سرعین	۱.۲۱	۱.۱	۱.۳۵	۱.۳۸	۱.۲۶
شهرستان کوثر	۱.۴۳	۱.۳۵	۱.۲۹	۱.۳۱	۱.۳۴
گرمی	۱.۱۹	۱.۱۱	۱.۲۵	۱.۴۶	۱.۲۵
مشکین شهر	۱.۳۷	۱.۴۴	۱.۱۱	۱.۴۸	۱.۳۵
شهرستان نمین	۱.۷	۱.۲۹	۱.۵	۱.۶۱	۱.۵۳
شهرستان نیر	۱.۶۲	۱.۶۲	۱.۸۹	۱.۷	۱.۷۱
مناطق روستایی پارس آباد	۱.۴۳	۱.۵۳	۱.۵۴	۱.۹۳	۱.۶۱
مناطق روستایی خخلخال	۱.۳۷	۱.۳۹	۲.۰۷	۲.۰۴	۱.۷۱
مناطق روستایی گرمی	۱.۱۶	۱.۲۲	۱.۲۶	۱.۲۸	۱.۲۳
مناطق روستایی مشکین شهر	۱.۶	۱.۵۲	۱.۴۵	۱.۶۸	۱.۵۶
کل	۱.۴۵	۱.۳۶	۱.۴۷	۱.۶۶	۱.۴۹
درصد همسر آزاری	۲۹	۲۷.۲	۲۹.۲	۳۳.۲	۲۹.۶

ب. یافته های استنباطی

بمنظور آزمون فرضیه‌های پژوهش با رعایت تمامی پیش فرض های مربوطه از آزمون رگرسیون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳- ضرایب رگرسیون.

ضرایب استاندارد نشده ضرایب استاندارد شده					
Sig.	t	Beta	Std. Error	B	مدل رگرسیونی پژوهش (Constant)
.۰۰۰	۱۳.۴۲۷		.۱۰۱	۱.۷۸۴	
.۰۰۰	۳.۷۱۸	.۰۸۹	.۰۱۸	.۰۶۸	یادگیری خشونت در خانواده مبدأ
.۰۰۰	۸.۲۷۳	.۱۹۹	.۰۱۴	.۱۱۲	دخالت خویشاوندان همسر
.۰۰۰	۷.۲۹۰	.۱۸۲	.۰۱۶	.۱۱۹	مقدار تحریک شوهر از جانب همسر
.۰۰۰	-۳.۷۶۶	-.۱۲۹	.۰۲۴	-.۰۹۲	اعتماد بین زوجین
متغیر وابسته؛ همسر آزاری					

با توجه به سطوح معناداری جدول ۳ متغیرهای؛ نوع روابط قدرت در خانواده، دخالت خویشاوندان، تحریک شوهر، تراکم صمیمیت زوجین، اعتماد بین زوجین، یادگیری خشونت در خانواده مبدأ، جامعه پذیری جنسیتی و ناسازگاری پایگاه خانوادگی زوجین به ترتیب بیشترین تأثیر را در پیش بینی متغیر همسر آزاری بر عهده داشته اند. بنابراین، با توجه به این نتایج، تمامی فرضیه‌های زیر مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

۱- به نظر می‌رسد بین یادگیری خشونت از جانب زوجین و همسر آزاری رابطه معنی دار مثبت وجود دارد.

۲- به نظر می‌رسد بین دخالت خویشاوندان زوجین و همسر آزاری رابطه معنی دار مثبت وجود دارد.

۳- به نظر می‌رسد بین تحریک همسر و همسر آزاری رابطه معنی دار مثبت وجود دارد.

۴- به نظر می‌رسد بین اعتماد بین زن و شوهر و همسر آزاری رابطه معنی دار معکوس وجود دارد.

با توجه به ضرایب بتا می‌توان ذکر کرد تأثیر متغیرهای مستقل؛ دخالت خویشاوندان به مقدار (۰/۱۹)، تحریک شوهر به مقدار (۰/۱۹)، اعتماد بین زوجین به مقدار (۰/۱۳) و یادگیری خشونت در خانواده مبدأ به مقدار (۰/۰۹) منجر به تغییر در مقدار همسر آزاری می‌شود. گفتنی است که در این معادله رگرسیونی همواره یک مقدار ثابت به عنوان عرض از مبدأ وجود دارد که در این جا

مساوی ۱/۷۸ می‌باشد. با توجه به جدول ۳ و براساس متغیرهای پیش‌بین معنادار معادله رگرسیون برای همسرآزاری به صورت زیر است:

همسرآزاری: ۱/۷۸، (۰/۱۹) دخالت خویشاوندان + (۰/۱۸) تحریک شوهر + (۰/۱۳) اعتماد بین زوجین به مقدار + (۰/۰۹) یادگیری خشونت در خانواده مبدأ.

نتایج پژوهش

با ورود انسان به دوران مدرن نهاد خانواده در تمامی جوامع دست‌خوش دگرگونی‌هایی شده است که منجر به تغییر کارکرد خانواده و هم‌چنین، کارکرد زن و مرد در این نهاد اساسی اجتماعی شده است از جمله این تحولات و دگرگونی‌ها می‌توان به تأکید بسیار بر تک همسری، شاغل شدن زنان در خارج از خانه، شانه خالی کردن زنان از مسئولیت صرف نگهداری فرزندان، عدم فرمانبرداری صرف زنان از مردان و در یک کلام عریان شدن تعارضات خانوادگی اشاره کرد که منجر به درک روزافزون پدیده همسرآزاری شده است. همسرآزاری با تعاریف امروزی که شامل چهار نوع خشونت جسمی، جنسی، روانی و مالی علیه زنان می‌باشد، پدیده‌ای نوین نیست که به تازگی در دوران مدرن بوجود آمده باشد بلکه از همان زمان تشکیل خانواده در جوامع سنتی به گونه‌ای بارز وجود داشت، اما افزایش خودآگاهی زنان منجر به افزایش آگاهی آنان از تعدی‌های انجام گرفته به خود شده است که در نتیجه این آگاهی زنان در پی ایفای حقوق از دست رفته خود برآمده‌اند و تلاش کرده‌اند تا نهاد خانواده را به سمت تساوی حقوقی هدایت کنند. به نظر می‌رسد در میان علل گوناگون همسرآزاری، این پدیده ریشه در دو پدیده فرهنگی؛ مردسالاری و عدم استقلال مالی زنان دارد و تا زمانی که مردسالاری به نفع تساوی حقوقی در خانواده حل نشود و تا زمانی که زنان از توانمندی‌های لازم بمنظور کسب استقلال مالی برخوردار نشوند، به نظر می‌رسد همچنان همسرآزاری به انحاء گوناگون اعمال خواهد شد. بنابراین، ضروری است هر گونه تلاشی در زمینه کاهش همسرآزاری در دو بعد؛ سست نمودن ریشه‌های مرد سالاری در جامعه به نفع تساوی حقوقی زن و مرد از یک سو و ایجاد زیربناهای لازم برای توانمندی زنان بمنظور کسب تمکن مالی از سوی دیگر مبتنی باشد. نکته پایانی در زمینه بررسی همسرآزاری این است که تفسیر مقدار خشونت و همسرآزاری امری ذووچین است، بنابراین، با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان نتایج این پژوهش را به گونه‌ای متفاوت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد؛ از یک منظر که منطقی مبتنی بر آموزه‌های خانواده مدرن است نتایج این پژوهش نشانگر همسرآزاری در استان اردبیل بوده و نیازمند توجه و آموزش جدی است زیرا این نوع نگاه زن و مرد را کاملاً مستقل از همدیگر تلقی می‌کند که بر اساس قراردادی به نام ازدواج با همدیگر زندگی می‌کنند و این قرارداد هر زمانی ممکن است پایان یابد.

از منظر دیگر که مبتنی بر آموزه‌های دینی و سنتی مسلمانان و ایرانیان است نتایج این پژوهش بسیار مطلوب تلقی می‌شود زیرا در این منظر زن و مرد وابسته به همدیگر تلقی می‌شوند. در این منظر زن تا حدودی از همسرآزاری صرف نظر کرده و ممکن است مقداری از همسرآزاری را تحمل کند. حال با توجه به دو نوع رویکردی که مطرح شدند، تحلیل همسرآزاری از منظر هر کدام از این دو رویکرد بالا متفاوت و متمایز خواهد بود؛ رویکرد نخست همسرآزاری را امری نکوهیده و رقت بار ارزیابی می‌کند و رویکرد دوم همسرآزاری را تا حدودی قابل قبول و نشأت گرفته از جایگاه زن و مرد در خانواده ارزیابی می‌کند. با جمع دو دیدگاه بالا می‌توان به یک دیدگاه و نگرش میانگین درباره همسرآزاری دست یافت که این پژوهش با در نظر گرفتن چنین رویکردی مسئله همسرآزاری و پیشگیری از آن را مورد بررسی قرار داد. بررسی انواع همسرآزاری در استان اردبیل حاوی نتایج درخور توجهی بوده است که موردهای زیر از مهم‌ترین نتایج پژوهش بوده‌اند:

الف. نتایج پژوهش نشان دادند که ازدواج اجباری در مناطق روستایی شهر اردبیل (۳۸ درصد) بالاتر از سایر نقاط استان بود و لازم است در این زمینه آموزش‌هایی در این مناطق ارائه شود.

ب. ازدواج فامیلی در شمال شهر اردبیل (۵۴ درصد) بالاتر از سایر نقاط استان بود و به نظر می‌رسد در این منطقه افزون بر آموزش برون همسری، مشاوره‌های ژنتیک نیز به صورت متمرکز انجام شود تا از بروز معلولیت‌های خاص ناشی از ازدواج فامیلی پیشگیری شود.

ج. یکی از نکاتی که تقریباً در تمامی مناطق شهری و روستایی استان مشهود بود میانگین کم فرزندان (۲/۰۸) در خانواده‌ها بود که متأسفانه کم‌تر از نرخ جایگزینی جمعیت قرار داشت و به نظر می‌رسد چنانچه این وضعیت در سال‌های آتی نیز تداوم داشته باشد، استان با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهد شد و لازم است تدابیر لازم در این زمینه از سوی متولیان امر انجام شود.

د. کنترل دخل و خرج خانواده (بیش از ۴۰ درصد) در خیلی از مناطق استان کاملاً مشهود بود که لازم است در این زمینه بمنظور تبدیل نشدن این امر به یک مورد آزاردهنده برای خانم‌ها، به مردان آموزش‌های لازم داده شود.

ه. گویند که بحث با همسر به خاطر دیر آمدن شوهر به خانه در شهر پارس آباد بالاتر از میانگین استان قرار داشت و ضروری است در این زمینه آموزش‌های لازم در شهر پارس آباد متمرکز گردد. همچنین، گویند کنترل رفتارهای بسیار جزئی شوهر از جانب همسر در غرب شهر اردبیل، مناطق شهری و روستایی مشکین شهر، شهرستان خلخال و شهرستان نیر بالاتر از میانگین قرار داشت که لازم است در این مناطق آموزش‌های بیش‌تری در زمینه شیوه‌های حل تعارض و تضاد در خانواده ارائه شود. گویند گیر دادن همسر به مسایل پیش پا افتاده نیز در مناطق جنوب شهر اردبیل، شهر خلخال، مناطق شهری و روستایی مشکین شهر، شهرستان نیر، شهرستان سرعین

و مناطق روستایی پارس آباد در وضعیت نامطلوبی قرار داشت که لازم است آموزش‌های لازم در این زمینه در مناطق یاد شده متمرکز گردد.

با توجه به نتایج پژوهش به نظر می‌رسد کاربست پیشنهادهای زیر منجر به کاهش همسرآزاری در استان اردبیل خواهد شد.

۱- با توجه به این امر که متغیر دخالت خویشاوندان نقش بارزی در مقدار همسر آزاری داشته‌است، به نظر می‌رسد هر مقدار از راه رسانه‌های اجتماعی نسبت به عدم دخالت خویشاوندان در زندگی زوجین تبلیغات لازم انجام گیرد، شاهد کاهش همسر آزاری در جامعه خواهیم بود. بنابراین، لازم است در برنامه‌های آموزشی و در رسانه‌های عمومی این قضیه مورد توجه جدی متولیان امر قرار گیرد.

۲- با توجه به این امر که متغیر مقدار تحریک شوهر از سوی همسر نقشی زیاد در افزایش همسرآزاری داشته است، به نظر می‌رسد زنان خانواده‌ها لازم است از بیان مواردی همچون؛ ارزیابی شوهر خود با دیگران و مقایسه لایه بیرونی خانواده‌های دیگر با لایه درونی خانواده خود اجتناب کنند و متولیان امر نیز در این زمینه آموزش‌های لازم را ارائه دهند زیرا با کنترل این متغیر می‌توان شاهد کاهش ۱۸ درصدی همسر آزاری شد.

۳- با توجه به این امر که متغیر اعتماد بین زوجین نقشی زیاد در کاهش همسر آزاری دارد، توصیه می‌شود آموزش‌های لازم به زوجین در آستانه ازدواج در زمینه شیوه‌های حل تعارض و جلب اعتماد از سوی زوجین ارائه شود. بمنظور تکمیل اعتماد متقابل لازم است زوجین در زمان زندگی مشترک نیز از راه آموزش‌های لازم نسبت به روش‌های حل مسئله و جلب اعتماد آشنایی یابند تا اعتماد زوجین نسبت به همدیگر افزایش یابد.

۴- با توجه به این امر که متغیر یادگیری خشونت نقش بارزی در همسر آزاری داشته است به نظر می‌رسد هر مقدار از راه رسانه‌های اجتماعی نسبت به اشاعه ندادن خشونت و همسر آزاری تبلیغات انجام گیرد، به همان اندازه شاهد کاهش همسر آزاری در جامعه خواهیم بود. بنابراین، لازم است در برنامه‌های آموزشی و در رسانه‌های عمومی این قضیه مورد توجه جدی متولیان امر قرار گیرد، متولیان جامعه در این زمینه لازم است توجه داشته باشند که نتایج این آموزش‌ها و سرمایه گذاری‌ها در آینده جواب خواهند داد و جامعه به سمت جامعه متعادل پیش خواهد رفت.

۵- نتایج این پژوهش نشان دادند تحصیلات زنان نقشی در کاهش یا افزایش همسرآزاری ندارند، اما افزایش تحصیلات مردان منجر به کاهش همسرآزاری می‌شود با توجه به این امر که این افزایش تحصیلات به نوعی با افزایش مقدار آگاهی مردان نیز مرتبط می‌باشد

توصیه می‌شود در سطح استان آموزش پیشگیری از همسرآزاری تنها به خانم‌ها متمرکز نشود بلکه آموزش‌های لازم در این زمینه به مردان نیز ارایه شود.

۶- با توجه به نتایج این پژوهش و با عنایت به این امر که بر اساس مطالعات انجام گرفته در این بررسی شهرستان گرمی با وجود پایین بودن مقدار درآمد و مقدار تحصیلات زوجین در بیش‌تر سنجه‌های مورد بررسی مربوط به همسرآزاری نسبت به دیگر نقاط استان از وضعیتی نسبتاً بهینه برخوردار بوده‌است پیشنهاد می‌شود پایگاهی با عنوان؛ شهر بدون همسرآزاری در این شهر تأسیس شده و ضمن ارایه آموزش‌های بیش‌تر در زمینه پیشگیری از همسرآزاری در این پایگاه، تبلیغات لازم در زمینه شناساندن این شهر به عنوان شهری که از مقدار همسرآزاری بسیار کمتری برخوردار است در سطح کشور انجام گیرد.

References

- Bandura, A. (1977). *Social Learning Theory*, New York: General Learning Press.
- Bhaswati, D. Deepshikha, T. (2011). Women's decision-making play an important role in determining her reproductive health and fertility behavior, *Journal of Social Change*, University of New Dehli, Vol 41, PP 233-249.
- Bradshaw, S. (2013). *Women's decision-making in rural and urban households in Nicaragua*, Environment and Urbanization, London.
- Cooney Rosemary, S. (1987). Decision Making in intergenerational puetrican families, *journal of marriage & the family*, Vol 44, pp: 621-631 .
- Dobash, R.E, Dobash, R. P. (1978). *Violence against wives*. New York: Free Press.
- Fisher, C. & et al. (2007). Health a difficult beast: The interrelation ships between domestic violence, women health and health sector an Australian case study. *Social Science & Medicine*. 65.1742-1750.
- Ezazi, Sh. (2004). *Investigation Iran social problems*, Tehran, Payamenoor Press. (Persian)
- Ezazi, Sh. (2004). *Sociology of family with emphasizing on role structure & function of family in contemporary era*. Tehran, Roshangaran Press. (Persian)
- Enayat, H. & Dastranj, M. (2010). The study of power structure in Lar city families, *Journal of women research*, Vol8, NO1, P107-124. (Persian)
- Field, J. (2009). *Social Capital*, Translated by gholamabbastavasolli, Tehran, Kavir Press. (Persian)
- Garousi, S. (2009). The study of power structure in Lar city families, *Journal of women research*, Vol6, No2, P7-25. (Persian)

- Gelles, R.J. (1985). Family Violence" Annual review of sociology,(11)347-367.
- Good ,W.,J (1971). Force & Violence in the Family. Journal of Marriage and the family,vol.3.No, 4.
- Hassan, M. (2010). women abuse, M.A Dissertation, Tehran university.(Persian)
- Kane, T. Staiger, Pk. Ricciardelli, La. (2000). Male Domestic Violence Attitudes, Aggression, and Interpersonal Dependency. Journal of Interpersonal Violence. 15(1) 16-29.
- Kim,J.et al (2009). The Incidence and Impact of Family Violence on Mental Health among South Korean Women. Korean Journal of Social Welfare, 24.193-202.
- Mansourfar, K. (2006). Statistical Methods, Tehran university Press.(Persian)
- Margolin ,G. Richard, S. Foo, J. Foo, L. (1998). Interactive and unique risk factor for husbands emotional and physical abuse of their wives. Journal of Family Violence. 13(4)315-344.
- Mirrless, C. (1999). Domestic violence : findings from a New British crime survey self-completion questionnaire. London: Home Office research studies.
- Mohammakhani, P. Mohammadi, M.R. Rezaidogaheh, E. & Azadmehr, H. (2006). Physiological Pathology & personal and relationship problems of men who did family Violence, Iranian Journal of Clinical Infectious Diseases,Vol7,No4.(Persian)
- Mohebi, F. (2001). Violence against women. Journal of women sociocultural association, Vol14,p6-19.(Persian)
- Nazparvar, B. (2002). Wife abuse, Journal of women research, women studies & research center,Vol3, p45-66.(Persian)
- Pamela, A. Wallace, C. (2004). An introduction to sociology: feminist perspectives, Translated by manizhehnajmeeraghi, Tehran, Ney Press.(Persian)
- Putnam, R. (2005). Social Capital, trust ,democracy & Development, Translated by kiantajbakhsh,Tehran,Shirazeh Press.(Persian)
- Reid, S. Titus. (2000). " Crime and Criminology", U.S.A.: McGraw- Hill.- Saroukhani B. (1999) "Violence in Iranian Family", InternationalConference Violence in Family (2000) World Health Organization2002,World Report On Violence and Health.
- Reyahi, M.E. (2007). Sociological Analyses of attitudes toward divorce, Journal of women research, Vol5, No3, P109-140.(Persian)
- Ritzer, G. (2008). Sociology Theory in contemporary era, Translated by mohsensolasi, Tehran, Elmi Press.(Persian)
- Romito, P. Molzanturan, J. & Marchi, M. (2005). The impact of current and past interpersonal violence on womans mental health. Social Science & Medicine.60.1717-1727.

- Segal, U. (1999). Family violence: A focus on India. *Aggression and Violent Behavior*. 2.213-231.
- Rubington, E. & Weinberg, M. (2007). *Seventh theoretical approaches to social issues*, Translated by rahmatollahsedighesarvestani, Tehran university Press. (Persian)
- Saroukhani, B. (2007). *Research Methods in Human sciences* , Tehran university Press.(Persian)
- Sparks, L. (2009). *Family Decision – Making*, University of Chapman press.
- Srinivasan, K. (2009). *Social Networks and Decision – Making: Women’s Participation in Household Decisions*, NewwDehli, India: Radiant.
- Straus, M. Gelles, R. & Steinmetz, S. (2006). *Behind Closed Doors: Violence in The American Family*, Anchor Press.
- Straus, M. .(1980). *Stress and child abuse*. In C. H .kempe and R.E Helfer (E d). *The battered child*. Chicago, I I : university of Chicago press.
- Werner, E. et al. (1985). *Dominance in Marital Decision making in women’s libration& Non liberayion families*, *Jornal of Marriage & the family*, Vol. 14, No. 2, pp. 223 – 233.

